

## استثنائی از حکم حرمت

اگر مصلحتی راجح بر مفسده حفظ و نشر کتب و سایر اموری که موجب ضلالت است، وجود داشته باشد، حرمت برداشته و حتی در مواردی حفظ، واجب می شود. البته باید دید که مصلحت راجحه حفظ چیست و رجحان آن نسبت به مفسده چه میزان است. ( مکاسب محرمه، ج ۱۷۸، ص ۷ )

• مثال: ۱. اگر این کتاب ضلال را از بین ببریم، این شبهه ای که در ذهن بعضی ایجاد شده، باقی می ماند. اما اگر آن را نگه داشتیم و به اهل خیره دادیم که ردّیه محکمی بر این کتاب بنویسد، شبهه به کلی از بین می رود و در آینده هم کسی به این شبهه مبتلا نمی شود. پس این یک مصلحت راجحه ای است که حفظ آن کتب ضالّه را جایز می کند. ( مکاسب محرمه، ج ۱۷۸، ص ۸ )

۲. اگر کتاب ضلالی را که عده محدودی را گمراه می کند، جمع آوری کنیم و از بین ببریم، ممکن است گروه زیادی تصور کنند که مطالب آن حق بوده که آن را جمع کردند و این کار شبهه بزرگ و مشکل بزرگ تری را به وجود آورد. ( مکاسب محرمه، ج ۱۷۸، ص ۷ )

### نکته

همان طور که باید ضلالت در چیزی احراز شده باشد، تا حفظ آن حرام و افنای آن واجب شود، مصلحت مقابل آن هم باید جزمی و قطعی باشد؛ یعنی نمی شود تنها به پندار و تصور اکتفا کرد. ( مکاسب محرمه، ج ۱۷۸، ص ۱۰ )